جهان بدون پول رؤیا و واقعیت

کلودیو ساردونی

مترجم : ستوده، سید محمد

امروزه بحث در باره انقلاب فناوری‏های اطلاعات و ارتباطات(2) (ICT) از محافل علمی به محافل اقتصادی رسیده‏ و اقتصاددانان اثرات این پدیده را بر نظام اقتصادی به ویژه‏ چگونگی این اثر گذاری را بر وظایف نظام مالی و پولی‏ مورد بحث و بررسی قرار داده‏اند.در حقیقت بخش‏های مالی‏ و پولی اقتصادهای پیشرفته به مراتب سریع‏تر از دیگر بخش‏ها تحت تاثیر ابداعات و نوآوری‏های فناوری قرار گرفته و آن را در فعالیت‏های خود به کار بسته‏اند.

آینده پول

رویکرد اقتصادهای پیشرفته برای استفاده فراگیر از فناوری اطلاعات و ارتباطات در بخش پول این پرسش‏ را در ذهن برخی اقتصاددانان برانگیخت که آیا جهان به‏ سوی اقتصاد بدون پول در حرکت است؟آیا پول‏های رایج‏ دیگر نقشی همانند وظیفه فعلی خود ایفا نخواهند کرد؟

سخن گفتن از جهان بدون پول گمراه کننده به نظر می‏رسد. به یقین بیشتر اقتصاددانان بر این باور نیستند که پول متعارف‏ (به خصوص پول نقد و سپرده‏های جاری در بانک‏ها)به‏ زودی از دنیای مالی رخت بربندد.در وضعیت کنونی‏ بخش‏های گسترده‏ای از اقتصاد کشورها قادر نیستند بدون‏ استفاده از ابزارهای پرداخت‏ متعارف(به ویژه پول نقد)به فعالیت‏ خود ادامه دهند.(3)

آنچه می‏توان برای آینده‏ پیش بینی کرد حرکت احتمالی‏ جهان به سوی استفاده گسترده از سیستم‏های رایج پرداخت‏ الکترونیک است،در عین حال‏ که تغییرات مهمی در کارآیی‏ نظام‏های پولی به وقوع خواهد پیوست.به ویژه این بحث در میان است که آیا ایجاد تغییرات‏ تکنولوژیک آینده به تضعیف‏ قابل توجه قدرت بانک‏های‏ مرکزی خواهد انجامید و توانایی‏ آن‏ها در اجرای سیاست‏های پولی- که می‏تواند کل اقتصاد یک کشور را از طریق ایجاد تغییر در نرخ‏های‏ بهره تحت تاثیر قرار دهد-زیر سئوال خواهد رفت یا نه؟

نقش بانک‏های مرکزی

بانک‏های مرکزی سعی می‏کنند قدرت و توانایی خود را در جهت اجرای موثر سیاست‏های پولی از طریق عرضه‏ انحصاری پول و همچنین اجرای قانون سپرده قانونی‏ (نسبت معینی از دارایی بانک‏های تجاری که بایستی نزد بانک‏ مرکزی به ودیعه گذاشته شود)نشان دهند.چنانچه عرضه‏ پول از سوی بانک مرکزی کاهش یابد،بانک‏ها نیز به تبع آن‏ ناچار خواهند شد میزان عرضه پول به خانوارها و شرکت‏ها را پایین آورند.مادام که خانوارها و شرکت‏ها در جهت‏ کاهش عرضه پول با یکدیگر رقابت کنند،نتیجه کلی،افزایش‏ نرخ بهره است.

بنابر این می‏توان نتیجه گرفت توانایی بانک‏های مرکزی در جهت کنترل نرخ بهره و همچنین اجرای مناسب سیاست‏های‏ پولی اساسا"بستگی به میزان تقاضای مؤثر در جامعه دارد. به طور کلی می‏توان گفت تقاضای مردم برای جذب نقدینگی‏ در این میان نقش حیاتی ایفاد می‏کند.تا زمانی که چنین وضعیتی‏ بر جامعه حاکم است بانک‏های مرکزی قادر خواهند بود قدرت و توانایی خود را برای تعیین نرخ بهره حفظ کند.به هر حال بایستی به این نکته توجه داشت که یکی از تبعات اجتناب‏ ناپذیر انقلاب اطلاعات و ارتباطات ایجاد تغییر در نظام‏های‏ مالی و پولی خواهد بود.

در نتیجه تحولات تکنولوژیک،تقاضای مردم برای پول‏ نقد می‏تواند به طور شایان توجهی کاهش یابد؛زیرا مردم به‏ طور روز افزونی از وسایل پرداخت جدید مانند پول‏ الکترونیک استفاده می‏کنند.پول الکترونیک می‏تواند از سوی‏ شرکت‏ها یا دیگر مؤسسات حتی مربوط به بخش بانکداری نیز نباشند.از سوی دیگر پیشرفت‏های صورت گرفته در بخش ICT می‏تواند بانک‏ها را ملزم سازد تا نظام‏های تسویه‏ جدیدی را اتخاذ نمایند؛نظام‏هایی که در آن بانک مرکزی‏ نقشی به عهده ندارد.

"مروین کینگ‏"ریسس کل بانک مرکزی انگلستان این‏ امر را به روشنی تشریح کرده،اظهار میدارد:«انقلاب‏ فناوری این قابلیت را دارد که در زمینه وظایف‏ بانک‏های مرکزی تحولات عمده‏ای ایجاد کند.اساسا" دلیلی وجود ندارد که تسویه نهایی معاملات بانکی را نتوان از طریق بخش خصوصی و بدون استفاده از روش‏ تسویه از طریق بانک مرکزی به انجام رساند.»

وی می‏افزاید،الزامات عملی‏ چنین نظامی ایجاب می‏کند که‏ قدرت محاسبات مالی بسیار فراتر از آن چیزی باشد که اکنون در اختیار دست اندرکاران امور قرار دارد.کینگ به این نکته نیز اشاره‏ دارد که به هر حال از لحاظ مفهومی هیچ مانعی وجود ندارد تا دو نفرد که درگیر انجام یک‏ معامله تجاری هستند،دارای‏ خود را بلا درنگ و مستقل از یک‏ حساب الکترونیک به حساب‏ دیگر انتقال دهند.همچنین امکان‏ تسویه حساب نهایی چنین‏ معاملاتی بدون مراجعه به بانک‏ مرکزی نیز فراهم خواهد بود. بنابر این چنین بانک‏های مرکزی‏ دیگر نتوانند نقش اصلی را در تاثیر انقلاب فناوری اطلاعات و ارتباطات بر نظام مالی و پولی بحث روز محافل اقتصادی است

جهان بدون پول‏ رویا و واقعیت

نویسنده:کلودیو ساردونی(1) مترجم:سید محمد ستوده تسویه معاملات ایفا کنند،آنگاه توانایی آنها در تاثیر گذاری‏ بر اقتصاد کشور به نحو چشمگیری کاهش می‏یابد.بر همین اساس این پرسش مطرح است که آیا انقلاب‏ فناوری‏های اطلاعات و ارتباطات می‏تواند به طور واقعی‏ بانک‏های مرکزی را تحت تاثیر قرار دهد؟

اگر چه اغلب اقتصاد دانان بدین حقیقت واقفند که تاثیر فناوری‏های اطلاعات و ارتباطات در خصوص بخش‏های‏ مالی و پولی بسیار مهم تلقی می‏شود،اما طرز تفکر آنان‏ در خصوص حدود تغییرات تکنولوژی که ممکن است‏ بر امور اقتصادی و بالاتر از همه بر ضرورت‏های اقتصادی‏ تاثیر گذار باشد،با یکدیگر متفاوت است.از این لحاظ می‏توان اقتصاددانان متخصص را در سیاست پولی به‏ سه گروه عمده تقسیم کرد:

دسته اول کسانی هستند که اساسا معتقدند تحولات‏ ناشی از فناوری‏های اطلاعات و ارتباطات به تغییرات‏ اساسی در حوزه وظایف و کارکردهای علم اقتصاد و پول‏ منجر نمی‏شود.

دسته دوم افرادی را در بر می‏گیرد که این گونه تحولات‏ را بسیار مهم تلقی کرده،معتقدند تحولات یاد شده منجر به‏ ایجاد تحولات مفید و بسیار مهم در عملکرد اقتصادی‏ کشورها خواهد شد.

و گروه آخر اقتصادانانی که این گونه اظهار نظر می‏کنند: تحولات مذکور بسیار مهم است،اما بایستی این تحولات را با دقت و عنایت خاصی مورد توجه قرار دارد و در این‏ خصوص تا اندازه‏ای هم اظهار نگرانی می‏کنند.

بخش عمده‏ای از متخصصان اقتصادی معتقد نیستند پیشرفت‏های تکنولوژیک در زمینه اطلاعات و ارتباطات‏ قادر باشد به نحوی چشمگیر مسیر و روند سیاست‏های پولی‏ کشورها را تغییر دهد.بعضی بر این باورند:هنوز لایل بنیادین‏ و مستحکم اقتصادی وجود دارد که بانک‏ها بخشی از منابع‏ خود را به منظور تسویه حساب نهایی در اختیار بانک مرکزی‏ قرار دهند.از نظر بانک‏ها این کار عاری از خطر است و آنها می‏توانند در مواقع بحرانی از بانک به عنوان وام دهنده نهایی‏ تقاضای وام کنند.

گروهی از این اقتصاددانان اعتقاد دارند بانک‏های مرکزی‏ امکان حفظ قدرت و توانایی خود در زمینه تعیین نرخ‏های‏ بهره را خواهند داشت.زیرا آان بانک‏های دولتی به شمار می‏روند و به معنای دقیق کلمه ضرورتی نمی‏بینند که بر اساس منطق سود آوری عملیات خود را انجام دهند، همچنین بانک‏های مرکزی در کوتاه مدت از طریق تنظیم‏ حجم عرضه و تقاضای پول،می‏توانند نرخ بهره را در سطح‏ مورد نظرشان تنظیم کنند.

برخی دیگر از اقتصاددانان نیز استدلال می‏کنند علیرغم‏ انقلاب فناوری‏های اطلاعات و ارتباطات و پیامدهای آن‏ از جمله کاهش قابل توجه تقاضا برای دریافت تسهیلات‏ بانکی-بانک‏های مرکزی هنوز هم قادر خواهند بود سیاست‏های پولی خود را به نحو مؤثری اجرا کنند.برای‏ این دسته از اقتصاددانان،انقلاب فناوری‏های اطلاعات‏ و ارتباطات-آن گونه که ما اکنون تصور می‏کنیم تهدیدی‏ جدی برای نظام پولی به شمار نمی‏آید.

از منظری کاملا متفاوت،برخی از اقتصاددانان بر این‏ عقیده‏اند که انقلاب یاد شده تأثیری مثبت بر کارایی نظام‏های‏ پولی دارد و سیاست‏های پولی را بیش از گذشته مثمر ثمر می‏سازد.به باور آنان این امر باعث می‏شود اطلاعات به‏ صورت گسترده‏تر و سریع‏تر از گذشته در تمامی بخش‏های‏ اقتصادی کشور به گردش درآید.

تضعیف نقش بانکداری مرکزی

در دهه 1980 طرفداران علم اقتصاد پولی نوین‏4معتقد بودند پیشرفت‏های تکنولوژیک باعث می‏شود انجام‏ مجموعه‏ای از اقدام‏های جدی در خصوص نظام پولی‏ کشورها ضرورت یابد.آنان به عنوان دلیل اصلی عنوان‏ می‏کردند:با وقوع انقلاب تکنولوژیک از طریق نوآوری‏هایی‏ که در سیستم‏های پرداخت رخ خواهد داد،هزینه معاملات‏ مالی به میزان قابل توجهی کاهش می‏یابد و به این ترتیب این‏ امکان فراهم خواهد شد تا دنیایی بدون وسیله مبادله تصور شود.

طرفداران علم اقتصاد پولی نوین همگی معتقدند یک‏ دنیای بدون پول می‏تواند بسیار مؤثرتر و با ثبات‏تر از وضعیت‏ فعلی اقتصادهای جهان باشد؛به ویژه به این دلیل که در دنیای جدید،که بانک‏های مرکزی کمتری در آن حضور خواهند داشت،تورم کنترل و فضا برای فعالیت‏های اقتصادی‏ مساعدتر خواهد شد.

یک دنیای بدون‏ پول می‏تواند بسیار موثرتر و با ثبات‏تر از وضعیت فعلی‏ اقتصادهای جهان‏ باشد

در چند سال اخیر بعضی از اقتصاددانان به این باور رسیده‏اند که انقلاب فناوری‏های اطلاعات و ارتباطات‏ ضرورت‏های جدیدی را برای ایجاد تغییرات در اقتصادهای پولی ایجاد کرده است.با این همه،آنها معتقد نیستند که این تغییرات لزوما"اثرات مثبتی بر سیاست‏های‏ پولی خواهد داشت.از دیدگاه این اقتصاددانان،کاهش‏ چشمگیر تقاضا برای پول می‏تواند موجب تضعیف جدی‏ قدرت بانک‏های مرکزی شود و بدین ترتیب توانایی آنان برای‏ اجرای سیاست‏های پولی زیر سوال برود.در دنیایی که تقاضا برای پایه پولی به شدت کاهش مییاید،بانک مرکزی در آن‏ صورت چگونه خواهد توانست اثر قابل توجهی بر بخش‏های اقتصادی بر جای نهد؟

در چنین دنیایی بانک‏های مرکزی هنوز هم می‏توانند نسبت‏ به تعهدات خود پای‏بند،و در مورد کنترل نرخ بهره تاثیر گذار باشند،به عبارت دیگر،بانک‏های مرکزی ناچارند قدرت‏ انحصاری خود را در خصوص کنترل بعضی از عوامل‏ اقتصادی حفظ کنند،اما ساز و کار تغییر عوامل نامبرده را دیگر نمی‏توان بر اساس تقاضای بخش خاصی از اقتصاد ارزیابی‏ کرد.بنابر این بخش عمده‏ای از تصمیمات بانک مرکزی بدین‏ ترتیب مثرثمر واقع نخواهد شد.

بانک‏های مرکزی به واسطه تسهیلات که به دولت ارایه‏ می‏دهند قطعا"باید بکوشند بخشی از قدرت خود را حفظ کنند تا بتوانند از پس تعهدات خود برآیند،(منظور از ایفای‏ تعهدات،بدهی بانک مرکزی به بخش خصوصی یعنی‏ اسکناس و مسکوک نزد مردم و بخش بانکی یعنی اسکانس‏ و مسکوک نزد بانک و سپرده قانونی بانک‏ها نزد بانک مرکزی‏ است.)به عنوان مثال اینکار می‏تواند با استفاده از وضع قوانین‏ مالیاتی و الزام مؤدیان مالیاتی به پرداخت دیون خود بر اساس‏ پول رایج در کشور باشد تا هر کس این اختیار را داشت باشد که از پول رایج کشور استفاده کند.

در نتیجه تحولات فناوری‏های اطلاعات و ارتباطات‏ می‏توان در آینده از سیستم پولی دوگانه‏ای برخوردار بود. بدین ترتیب که علاوه بر پول رایج،پول الکترونیک نیز در کنار آن به رقابت بپردازد،اما چنین تغییر و تحولی از ثبات‏ سیستم پولی کشور می‏کاهد.برای مثال این امر ممکن است‏ خطرهای اقتصادی را،همچون هجوم مردم برای بیرون‏ کشیدن سپرده‏های‏شان،موجب شود.

در چنین موقعیتی که مردم در تسویه حساب‏ها حق‏ انتخاب استفاده از پول رایج را دارند،همواره این خطر وجود دارد که برخی از آنان از این گزینه استفاده نکنند و از سیستم‏های غیر متعارف بهره بگیرند.اگر چنین اتفاقی رخ‏ دهد،کمبود نقدینگی باعث بروز عدم ثبات قابل توجهی در اقتصاد خواهد شد.

بازارها،پول و سیاستگذاری

همانگونه که مشاهده می‏شود،اقتصاددانان در خصوص الزامات نهایی انقلاب فناوری اطلاعات و ارتباطات و اثرات آن بر اقتصادهای آزاد،اتفاق نظر ندارند، از دیدگاه بعضی از آنان انقلاب یاد شده تأثیر قابل توجهی‏ بر تحولات بازار باقی نخواهد داشت،اما برخی دیگر معتقدند چه بسا در آینده بانک‏های مرکزی و پول-آن گونه‏ که ما امروز آن‏ها را می‏شناسیم-اساسا محو و ناپدید شوند.

به هر روی ارزیابی اثرات چنین انقلابی و نقش آن در اقتصاد به طرق مختلفی بیان شده است.از دیدگاه برخی اقتصاددانان‏ این تحول،تحولی مثبت است،اما برخی دیگر آن را پدیده‏ای‏ نگران کننده تلقی می‏کنند.برای درک تفاوت این اظهار نظرهای‏ گوناگون لازم است برخی واقعیت‏های کلی نظریه‏های‏ اقتصادی را مد نظر قرارداد و اثرات آن را در زمینه مداخله‏ دولت در بازار و چگونگی عرضه پول به منظور تنظیم نحوه‏ عملکرد بازر بررسی کرد.

(1)-استاد دانشگاه رم

(2)- techology(ICT) Information communication .

(3)- The New Monetary Economics

(4)- Dual Monetary System